



بولتن تخصصی

شماره ۲۸ / اسفند ۱۴۰۳

اتاق نارنجی

O R A N G E

R O O M

/

دیوید لینچ، معماری و طراحی داخلی

آنتونی پالتا



آنتونی پالتا در این نوشتار اظهار داشته است، دیوید لینچ، کارگردان فقید سینما، طراحی و معماری را می‌پرستید و در هنر استفاده از آن‌ها به منظور ایجاد جلوه‌های خاطره‌انگیز تسلطی بی‌بدیل داشت.



پیام فروتن

هر کارگردان موفق سینما در جریان تولید فیلم خود توجه بسیاری به طراحی صحنه می‌کند، اما تعداد محدودی از آن‌ها از طراحی داخلی دنیای واقعی در آثار خود بهره می‌برند. در همین راستا، بسیاری از کارگردانان به مبلمانی که در اثرشان ظاهر می‌شود توجه بسیار داشته و حتی تعدادی از این کارگردان‌ها دست به اهر شده و برخی از قطعات صحنه‌شان را در کارگاه‌های نجاری خود خلق می‌کنند.

در این میان، دیوید لینچ از شخصیتی متفاوت برخوردار بود. از زمان مرگ او موجی از ادای احترام صمیمانه به میراث او در تمام زمینه‌های سینما به راه افتاده است؛ اما بیایید اشتیاق عمیق او به معماری و طراحی را نیز فراموش نکنیم.

لینچ مردی نبود که درباره غالب موضوعات خود توضیح دهد. این رویکرد تنها درباره نویسندگانی که تلاش می‌کنند برخی از معانی ساده فیلم‌های سورئال او را بازگشایی کنند صدق نمی‌کند. لینچ، نقاشی ماهر بود؛ اما به ندرت درباره نقاشی بحث می‌کرد؛ با این حال، هنگامی که سروکارش با معماری و طراحی می‌افتاد، پاسخ‌هایش به طور غیرعادی دقیق و شگفت‌انگیز از آب در می‌آمد.

نشریه طراحی آلمانی *فرم* ۱ در سال ۱۹۹۷ از لینچ درباره معماران مورد

علاقه‌اش پرسید: «از باوهاوس ۲، تمام دانشجویانش و پیر شارو ۳ که خانه شیشه‌ای پاریس ۴ را طراحی کرد. همچنین لودویگ میس ون در روهه ۵، تمام خانواده رایت ۶، رودلف مایکل شیندلر ۷ و ریچارد نویترا ۸». او در همان مصاحبه صرف ناهار با چارلز ایمز ۹ را به یاد می‌آورد: «ایمز یکی از باهوش‌ترین افراد روی زمین بود و بهترین آدمی بود که تا به حال ملاقات کرده‌ام. او یک انسان ناب، شاد و به نوعی کودکانه بود که از زندگی لذت می‌برد.» لینچ در ادامه از ولادیمیر کاگان ۱۰ و شارلوت پریاند ۱۱ به عنوان دیگر افراد محبوبش یاد کرده است. لینچ در سال ۱۹۸۶ خانه بورلی جانسون ۱۲ لویید رایت ۱۳ را خریداری کرد.

در این جا بد نیست یک نقل قول از لینچ را یادآوری کنم: «من شخصا لویید رایت را بیشتر از فرانک لویید رایت دوست دارم؛ زیرا لویید رایت، مینیمال‌تر و خالص‌تر است؛ با این حال، به همان اندازه زیبا جلوه می‌کند.»

لینچ مدام از خانواده رایت برای انجام پروژه‌های خود استفاده می‌کرد. پسر لویید، اریک لویید رایت ۱۴، طراحی یک خانه استخردار را انجام داد. لینچ از ملک مجاور خود برای خانه بیل پولمن و پاتریشیا آرکت در بزرگراه گمشده استفاده کرد و در واقع نمای آن را برای فیلم تغییر داد. در آن خانه چه می‌بینید؟ صندلی الماس ۱۵ برتویا ۱۶ و میز بیضوی ایمز و همچنین مبلمانی با طراحی خودش.

در این فیلم، پرده‌ها ابزار مهم طراحی لینچ بوده که از بیشترین میزان تاثیر برخوردارند.

خانه انیس ۱۷ فرانک لویید رایت - مجموعه‌ای برای سریال توئین پیکز ۱۸ - به نوعی مخاطب را به عشق دعوت می‌کند. لینچ یک دکور تبلیغاتی را نیز برای ایو سان لوران ۱۹ در مزون دوور ۲۰ شارو ۲۱ را در پاریس طراحی کرد و در آن از انواع ویژگی‌های برجسته رویکردهای خود بهره برد. ریچارد مارتین ۲۲ در کتاب خود به نام





معماری دیوید لینچ^{۲۳} می‌نویسد: «به طور کلی، حرفه لینچ یک تاریخ خاص از معماری و طراحی را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، شاید بتوانیم فیلم‌های او را به خودی خود به عنوان یک پروژه معماری تخیلی و غیرمعارف در نظر بگیریم.»

پرده‌ها - پوشش نرم مدرنیسم شیشه‌ای که به طور مکرر توسط میس ون در روهه، لوس و نوترا به کار گرفته شده‌اند - ابزار مهم طراحی لینچ هستند که بیشترین تأثیر را به نمایش می‌گذارند. پرده‌ها را می‌توان در اتاق خواب پولمن^{۲۴} و آرکت^{۲۵} در بزرگراه گمشده^{۲۶} مشاهده کرد و از این طریق، شاهد تعریف نمادین‌ترین فضای او بود: اتاق قرمز در توئین پیکر.

ارتباط لینچ با فضای تأثیر را به هیچ وجه نمی‌توان انکار کرد. بدین ترتیب، پرده‌های قرمز مجدداً در صحنه‌ای در کلاب سیلنسیوی^{۲۷} جاده مال‌هالند^{۲۸} ظاهر می‌شوند، فضایی که (به نوعی) در کلوپ شبانه لینچ در پاریس - که دارای صندلی‌هایی با طراحی اوست - به واقعیت می‌پیوندد. امروزه این رویکردها در میان کارگردانان رایج تر شده‌اند. وس اندرسون^{۲۹} یک بار در میلان و لوکا گوادانیو^{۳۰}، هتلی را در رم طراحی کرده‌اند؛ این در حالی است که پیش از آن‌ها لینچ دست به این کار زده بود.

لینچ کارگردانی نادر بود که قادر بود مبلمان‌اش را خودش بسازد. او کار خود را از دانشکده هنر شروع کرده بود و این عناصر ستایش می‌کرد. لینچ در مصاحبه‌ای با *ال‌ای ویکلی*^{۳۱} اظهار داشت: «می‌دانید! هر واژه‌ای قدرت خود را دارد. شما تنها می‌توانید به آن کمی اهمیت دهید یا بسیار اهمیت دهید. اما اگر کلمه مبلمان

را در حد حداکثری اهمیت خود قرار دهید، برای گفتن این‌که چقدر آن را دوست دارم کافی نیست.»

لینچ معمولاً برای خودش مبادرت به طراحی و ساخت مبلمان، تختخواب و خیلی چیزهای دیگر می‌کرد؛ اما اندکی وارد بازار شد. او در سال ۱۹۹۷ نمایشگاهی از آثار خود را در نمایشگاه مبلمان^{۳۲} برگزار کرد. پس از آن با شرکت مبلمان سوئیسی کاسانوسترا^{۳۳} که اکنون منحل شده است وارد همکاری شد و تعداد محدودی از طرح‌های او تولید شدند.

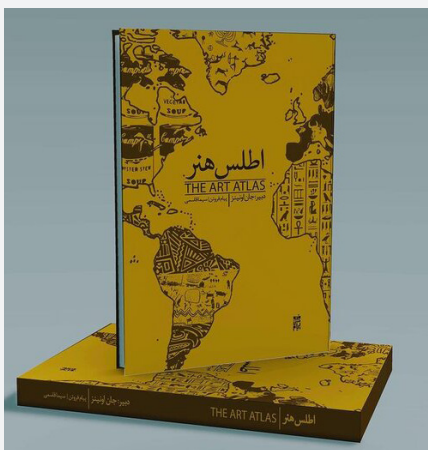
مینیمالیسمی که لینچ در طراحی داخلی به آن علاقمند بود، عمداً از اهداف تداعی‌گر اجتناب می‌کرد. برخی از این قطعات با ایزوردیسم از یک مرز واضح برخوردارند؛ اما تعدادی از آن‌ها برای استفاده تقریباً کمیک طراحی شده‌اند: یک میز اسپرسو و یک میز ویسکی و سیگار نمونه‌هایی از این دست هستند. به نظر می‌رسد واضح‌ترین الهام‌بخش ترکیب‌های ناسازگار اما بی‌نقص او از مواد طبیعی و صنعتی دستچین شده باشند.

لینچ همچنین یک طراح چراغ پرکار بود که در فاصله میان دادائیسیم و خطوط راست باوهاوس در نوسان بود. یک فیلم کوتاه از لینچ وجود دارد که او را در حال کار

بر چراغ‌هایش نشان می‌دهد.

با علم به این همه توانایی چه می‌توان کرد؟ در میان تمام ویژگی‌های با شکوهی که می‌توانند سبک لینچ را تعریف کند، می‌توان به توجه توهم‌زای او به فضای لوکیشن‌های خاص پی برد. این رویکرد، نوعی تداوم سینمایی است که به طور طبیعی از هنرمندی سرچشمه می‌گیرد که به شدت با حال و هوای فضاهایی که همواره در آن‌ها حضور دارد هماهنگ شده است. همان طور که او در اثر نیمه اتوبیوگرافی خود تحت عنوان *اتاقی برای یک رویا*^{۳۴} نوشت: «هر چه اتاق خالص‌تر باشد، افراد و اثاثیه بیشتری می‌توانند از دل آن بیرون بیایند».

یک فرد معمولی - اگر کمی چاق باشد - ممکن است به یک میز برخورد کند؛ اما احتمالاً نمی‌گوید که این میز افکارش را به هم ریخته است. کاری که لینچ انجام داده است. او مصاحبه با فرم ابراز داشت: «به نظر من، بیشتر میزها خیلی بزرگ و خیلی بلند هستند. آن‌ها اندازه اتاق را کوچک می‌کنند و با فضا برخورد کرده و منجر به فعالیت ناخوشایند ذهن می‌شوند.» لینچ به طور کلی برای مخاطبانش روشن می‌سازد که این نوع حساسیت چیست. مینیمالیسمی که او در طراحی داخلی



**Carwan
Dourandich**

*\Graphic Designer]

Instagram:
@Carvvan

LinkedIN:
/Carvvan



مدیر بولتن: پیام فروتن
طراح هنری: کاروان دوراندیش
حامی مالی: میلاد قلیچ

ORANGE ROOM

کلیه حقوق معنوی بولتن متعلق به پیام فروتن بوده و هرگونه کپی برداری و استفاده از مطالب آن منوط به کسب اجازه کتبی از وی می باشد.

گاردین، بلومبرگ سیتی لب، روزنامه معمار و متروپلیس و... منتشر شده اند.

www.dezeen.com/2025/02/07/da-vid-lynch-anthony-paletta-opinion

پی نوشت ها:

1. Form
2. Bauhaus
3. Pierre Chareau
4. House of Glass
5. Ludwig Mies van de Rohe
6. Wright
7. Rudolph Michael Schindler
8. Richard Neutra
9. Charles Eames
10. Vladimir Kagan
11. Charlotte Perriand
12. Beverly Johnson House
13. Lloyd Wright
14. Eric Lloyd Wright
15. Diamond Chair
16. Bertolia
17. Ennis House
18. Twin Peaks
19. Yves St Laurent
20. Maison de Verre
21. Chateau
22. Richard Martin
23. Architecture of David Lynch
24. Pullman
25. Pullman and Arquette
26. Lost Highway
27. Club Silencio
28. Mulholland Drive
29. Wes Anderson
30. Luca Guadagnino
31. LA Weekly
32. Salone del Mobile
33. Casanostira
34. Room to Dream
35. Anthony Paletta

به آن علاقه داشت، عمداً باعث عدم تداعی در آثارش می شد. او همواره از زیبایی شناسی سینمایی یکنواخت، به شیوه کارگردانانی که طراحی صحنه فیلم هایشان تقریباً همواره یکسان به نظر می رسد، دوری می کرد و توجه متمرکزی را صرف جوهر فضاهای مختلف - اعم از تئاترهای آرت دکو یا رستوران های گوگی یا مکان های مختلف سرزمین های تخیلی هالیوود - می کرد. لینچ دقیقاً می دانست چگونه از طراحی صحنه و فضاها استفاده کرده تا حس خاصی را به ما منتقل کند.

به عبارت دیگر، لینچ یک کارگردان درخشان معماری بود و مدت ها پس از پایان توئین پیکز، جاده مالهاند و بزرگراه گمشده به مسیر خود ادامه داد. این آثار، رسانه هایی هستند که قدرت فضا را بسیار بهتر از غالب فیلم هایی که در ظاهر به کشف معماری می پردازند به تصویر کشیده اند.

آخرین تلاش لینچ در طراحی را می توان در نسخه نمایشگاه مبلمان سال ۲۰۲۴ مشاهده کرد. او در این تلاش مبادرت به طراحی نوعی اتاق فکر کرد. ایده و طراحی لینچ در این پروژه چه بود؟ دیوارهای آبی عمیق، سقفی طلایی و تختی با هفت «دودکش» که به سقف متصل شده تا ایده ها به آن داخل یا خارج شوند. لینچ - از بسیاری جهات - نیازی به صرف زحمت بسیار نداشت؛ بلکه هر فضایی که او ایجاد کرده است، ما را به اندیشیدن وا می دارد.

منبع:

آنتونی پالتا/ ۳۵؛ ۷ فوریه ۲۰۲۵

روزنامه نگار حوزه معماری ساکن نیویورک. نوشته های او در وال استریت ژورنال،